

نقد و تحلیل کتاب فصول فی الترجمة و التعریب از تجربه تا ترجمه

رضا ناظمیان*

چکیده

نقد کتاب را می‌توان امتداد کوشش‌های نویسنده در ارائه دست‌آورد پژوهشی دانست. نقد، جوهر پژوهش استو این مقاله بر آن است تا کتاب «فصول فی الترجمة و التعریب» از محمد البطل، نویسنده و مترجم مصری را به بوته نقد بگذارد. کتاب از هشت فصل تشکیل شده که به موضوعات مختلف در حوزه ترجمه از عربی به انگلیسی و بالعکس پرداخته است و اگرچه همه این فصول که هر کدام حکم یک مقاله را دارند از نظر موضوعی در یک حوزه قرار می‌گیرند اما پراکنده هستند و هر کدام به تخصص و مهارتی خاص در ترجمه اختصاص دارند. حوزه‌ای که نویسنده توجه بیشتری به آن دارد حوزه اصطلاح‌شناسی است که بخش بزرگی از کتاب به آن اختصاص یافته و حتی یک فصل کتاب را فرهنگ کوچک اصطلاحات مطبوعاتی تشکیل می‌دهد. با توجه به این که کتاب‌های مربوط به تئوری ترجمه، پیشینه‌ای نسبتاً طولانی دارند و حتی در زبان عربی نیز کتابهای معدودی در این زمینه به چاپ رسیده است انتظار می‌رفت کتاب «فصول فی الترجمة و التعریب» از محمد البطل که در سال ۲۰۰۷ میلادی به چاپ رسیده است در زمینه مطالعات ترجمه، عمیق‌تر باشد و حتی نکات ترجمه‌ای بیشتری را گوشزد کند، اما نگاهی به فهرست منابع کتاب، این باور را به ما می‌دهد که نویسنده، کار تحقیقی گسترده‌ای در زمینه فن ترجمه انجام نداده و بیشتر، تجربه‌های عملی خود را به نگارش درآورده است.

کلیدواژه‌ها: محمد البطل، ترجمه، تعریب، نقد کتاب.

۱. مقدمه

فن ترجمه و شیوه‌های انتقال معنا و پیام از زبان مبدأ به مقصد و نیز چالش‌های مربوط به معادل‌یابی و ترجمه اصطلاحات در زبان عربی پیشینه‌ای طولانی و پر بار ندارد، از این رو، هر کتابی که در این زمینه تألیف می‌شود روزنه‌ی امیدوی است که توانسته باشد بخشی از این مسیر کم و بیش ناشناخته و پُرچالش را بی‌ماید. کتاب «فصول فی الترجمة و التعرّیب» از محمد البطل با توجه به عنوانی که دارد این انتظار را در خواننده‌ی آشنا به مباحث ترجمه را ایجاد می‌کند که دست‌کم چند گامی در این مسیر برداشته باشد، «اما تنوع مباحث و پراکندگی آنها خبر از پژوهشی می‌دهد که فاقد تسلسل و زنجیروار بودن یک پژوهش علمی است و نویسنده خود به این موضوع واقف است» (نک: البطل، ۲۰۰۷: ۱).

این کتاب از هشت فصل تشکیل شده است که به موضوعات مختلف در حوزه ترجمه پرداخته است و اگرچه همه این فصول که هر کدام حکم یک مقاله را دارند از نظر موضوعی در یک حوزه قرار می‌گیرند اما پراکنده هستند و هر کدام به تخصص و مهارتی خاص در ترجمه اختصاص دارند.

در باره محمد البطل اطلاع زیادی در دسترس نیست و جستجوی نگارنده در فضای مجازی نشان می‌دهد تنها همین کتاب، معرف اوست. به نظر می‌رسد محمد البطل، مترجمی رسمی و حرفه‌ای در زمینه عربی انگلیسی و بالعکس باشد و بیش از ترجمه ادبی به ترجمه متون مطبوعاتی و حقوقی در رسانه‌های گروهی همت گماشته است. این کتاب نیز در واقع، حاصل تجربه‌های عملی وی در زمینه ترجمه است.

۱-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

نوشته‌هایی که در زمینه شیوه‌ی ترجمه و تجربه‌های مترجم به رشته تحریر در می‌آیند از این رو شایسته مطالعه و نقد و تحلیل هستند که در این حوزه نمی‌توان مطالب مختلف را از منابع مکتوب بیرون کشید و در کنار هم قرار داد و کتاب‌سازی کرد، بلکه با توجه به اندک بودن منابع و این که هر نویسنده در این زمینه شیوه و امضای خودش را دارد باید شیوه‌ای نو و چهارچوبی تازه را ارائه کرد و گرنه نویسندگان این حوزه، اندک نبودند. کتاب فصول فی الترجمة و التعرّیب از محمد البطل با وجود کاستی‌هایی که دارد در این زمینه و از این منظر، قابلیت پژوهش و تحلیل را دارد و درخور بررسی است.

۱-۲. پرسش اساسی و روش پژوهش

از آنجا که این کتاب کوشیده است تجربه‌های خود را در زمینه ترجمه و تعریب به خواننده منتقل کند و درک مترجمان از ظرایف و ریزه‌کاری‌های این حرفه را بالا ببرد و چهارچوبی

تازه برای آموزش ترجمه و چگونگی واژه‌سازی مطرح کند، پرسش اساسی این پژوهش آن است که این کتاب در زمینه مطالعات ترجمه و نظریه‌های آن و فن ترجمه قرآن و ارائه بسته آموزشی ترجمه، چه توفیقی به دست آورده است؟ و این که خواننده ایرانی چه فایده‌ای از این کتاب خواهد برد؟

فرض این است که کتاب، در زمینه فن ترجمه، افق نو و تازه‌ای را برای فارسی‌زبانان عربی‌دان نشان نمی‌دهد زیرا به نظر می‌رسد در زمینه فن ترجمه و نظریه‌های ترجمه و ترجمه قرآن، ایران از کشورهای عربی جلوتر است و این کتاب به خواننده ایرانی چیز زیادی عرضه نمی‌کند، اما در زمینه ارائه ساختاری نو برای تدریس ترجمه و واژه‌سازی، مباحث و تحلیل‌های قابل توجهی دارد و قابل اعتناست. روش این پژوهش، تحلیل محتوای کمی و کیفی کتاب و تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری بر اساس نقد و تحلیل و بررسی است.

۱-۳. پیشینه پژوهش

در زمینه فن ترجمه و مسائل مربوط به آن در جهان عرب، منابع زیادی تألیف نشده است. از معدود کتاب‌های نگاشته شده در این زمینه کتاب‌های «فن ترجمه» (عنانی، ۲۰۰۴م) و «الترجمة الأدبية بین النظرية و التطبيق» (عنانی، ۲۰۰۹م) از نویسندگان مصری «محمد عنانی» است که در کتاب اول مسائل کلی ترجمه را بررسی و با ارائه مثال‌های مختلف و نسبتاً طولانی از متون مطبوعاتی مختلف در زبان انگلیسی، نکته‌های ترجمه‌ای را بازگو کرده است. وی بیشتر به نقد ترجمه‌های مختلف می‌پردازد. در کتاب دوم نیز چنان که از نام آن پیداست، ترجمه متون ادبی را مدنظر قرار داده و بی‌آنکه به ویژگی‌های ترجمه متون ادبی بپردازد ترجمه متون داستانی و نمایشی را نقد می‌کند و بخش زیادی را به موضوع زبان فصیح و عامیانه اختصاص می‌دهد. «فن الترجمة النظری» (مظفر حکیم، ۱۹۸۹م) از نویسنده سوری، اسعد مظفر حکیم دیگر کتابی است که با توجه به قدمت زبانی مسائل ابتدایی‌تر را در زمینه فن ترجمه بازگو می‌کند و با توجه به این که مثال‌های آن عربی و روسی است دایره بهره‌گیری از آن محدودتر است. چنان که پیشتر آمد برجستگی کتاب «محمد البطل» پرداختن به ترجمه قرآن و ارائه بسته آموزش ترجمه و موضوع واژه‌سازی است.

۲. گزارش اجمالی محتوای کمی: عناوین اصلی و فرعی

عنوان‌های اصلی کتاب شامل یک مقدمه و هشت فصل است: فصل اول: ترجمه القرآن الکریم بین نظریتین: الدلالية و التواصلية (ترجمه قرآن کریم از ترجمه معنایی تا ترجمه ارتباطی). فصل دوم: حدود المترجم فی الحوار بین الثقافات (چهارچوب مترجم در گفتگوی فرهنگ‌ها). فصل سوم: التكافؤ الزمینی فی ترجمة النثر الأدبی (هماهنگی زمان افعال در ترجمه نثر ادبی). فصل چهارم: ترجمة عناوین الصحف: اشکالية تبحث عن الحل (ترجمه تیتراهای مطبوعاتی: چالشی که راه حل می‌طلبد). فصل پنجم: أهم الوحدات الترجمیة فی الصحافة السیاسیة و الاقتصادية (واژه‌های کلیدی در متون سیاسی و اقتصادی مطبوعات). فصل ششم: المصطلح بین الترجمة و التعریب (اصطلاح: ترجمه یا تعریب؟). فصل هفتم: التأهیل الأكادیمی للمترجم التحریری: أطره و عناصره و آلیاته (آماده‌سازی آکادمیک مترجم برای ترجمه مکتوب: چهارچوب‌ها، واحدهای درسی، سازوکارها). فصل هشتم: دلالة المعنی (معنی‌شناسی).

۱-۲. در فصل اول به ترجمه‌های قرآن کریم به زبان انگلیسی می‌پردازد و در این راستا ترجمه‌ای خاص را مد نظر قرار نمی‌دهد بلکه حکمی کلی در باره همه ترجمه‌های قرآن به زبان انگلیسی صادر می‌کند و بر این باور است این ترجمه‌ها پشتوانه نظری و تئوریک در زمینه فن ترجمه ندارند و از این نظر دچار ضعف هستند. وی بر این باور است زبان مادری مترجمین قرآن به زبان انگلیسی نه عربی است و نه انگلیسی، و این موضوع را مایه ضعف این ترجمه‌ها قلمداد می‌کند. دکتر محمد البطل در این فصل به تشریح دو نوع ترجمه یعنی ترجمه معنایی و ارتباطی می‌پردازد و معتقد است ترجمه‌های قرآن به زبان انگلیسی به صورت معنایی هستند و همین امر باعث شده است خواننده این ترجمه‌ها نتواند با متن انگلیسی آنها ارتباط برقرار کند. او در این زمینه به چند مشکل اشاره می‌کند:

۱. ترجمه تعابیر اصطلاحی. مؤلف به حق معتقد است شیوه ترجمه تعابیر اصطلاحی باید با ترجمه دیگر بخش‌های متن متفاوت باشد و معادل این تعابیر، بیشتر فرهنگی هستند تا زبانی و لغوی، و معادل آنها باید یک تعبیر باشد یعنی تعبیر در برابر تعبیر. از سوی دیگر، زبان عربی و انگلیسی سرشار از تعابیر اصطلاحی هستند و این ترجمه‌ها تعابیر اصطلاحی را ترجمه کرده‌اند و معادل تعبیری آن را در زبان مقصد ارائه نداده‌اند. در حقیقت، معادل مفهومی آورده‌اند نه معادل ارتباطی که خواننده بتواند با متن ارتباط برقرار کند.

۲. آوردن معادل‌های مختلف در زبان مقصد برای یک واژه در زبان مبدأ. به عنوان مثال برای کلمه انسان که در فرازهای مختلفی از قرآن به کار رفته است چند واژه را آورده‌اند، در حالی که باید برای انسان در همه جا از یک معادل استفاده می‌کردند.

۳. استفاده از واژه‌های متروکی که در انگلیسی معاصر کاربردی ندارند و مخاطب نمی‌تواند از طریق آنها با متن و مفهوم آیات قرآن ارتباط برقرار کند. در پایان این فصل، نمونه‌هایی از آیات قرآنی را می‌آورد و ترجمه پیشنهادی خودش را ارائه می‌کند.

۲-۲. در فصل دوم که نام «چهارچوب مترجم در گفت و گوی فرهنگ‌ها» را بر آن می‌نهد به موضوع اختلاف فرهنگ‌ها به ویژه اختلاف در دین و مذهب می‌پردازد (البطل، ۲۰۰۷: ۳۱) و معتقد است در فرهنگ عربی که دین، چهارچوب هویت و شناخت را تعیین می‌کند و انسان بر اساس آن ارزش‌گذاری می‌شود مترجم باید در نقل افکار گروندگان یک مذهب برای مؤمنان به مذهب دیگر، جانب بی‌طرفی را اتخاذ کند. وی در پاسخ به این پرسش که در گفتگوی بین ادیان باید ترجمه معنایی را در پیش گرفت یا ترجمه ارتباطی؟ معتقد است «باید شیوهی «نظریه تکاملی» را برگزید و بر این اساس، مفاهیم مخصوص یک دین یا یک فرهنگ را به نمونه‌های عام و کلی ترجمه کرد که شامل همه انسان‌ها بشود. محمد البطل این نظریه را بر پایه مکتب روانشناسی «گشتالتیسم» تحلیل می‌کند که توسط «ماکس ورتایمر» max Wertheimer پی‌ریزی شد که معتقد است کل، مهم‌تر از حاصل همه اجزای آن است. «بر این اساس، نویسنده بر آن است برای آن که از تضارب فرهنگ‌ها جلوگیری شود باید از ترجمه معنایی که کلمه را عیناً معنا می‌کند و در نثر ترجمه می‌آورد و نیز از ترجمه ارتباطی که واحد ترجمه را جمله می‌داند و می‌خواهد همان تأثیری را در مخاطب ترجمه ایجاد کند که متن اصلی در مخاطب خود ایجاد کرده است اجتناب شود و برای کلمات و مفاهیم وارد شده در متن قرآن، معادل‌هایی از کتاب مقدس مسیحیان آورده شود و «ارزش کلی و انسانی» مدنظر قرار گیرد نه ارزش‌های محدود فرهنگی و اقلیمی». وی در انتهای فصل، جدولی از واژه‌ها را ارائه می‌کند که مثلاً صلاه به prayer و صوم به fast ترجمه می‌شود. در ادامه می‌گوید: کلمات و تعابیر خاص فرهنگ اسلامی را باید با حروف انگلیسی در متن ذکر کرد و در پاورقی توضیح داد و سپس مثال‌های متعددی را بیان می‌کند. نویسنده معتقد است این کار، به ویژه پس از حوادث تروریستی یازده سپتامبر، چهره‌ی صلح‌طلب و انعطاف‌پذیر اسلام را به غربی‌ها نشان می‌دهد (البطل، ۲۰۰۷: ۴۳)

در این فصل که نویسنده به موضوع گفت و گوی فرهنگ‌ها اشاره می‌کند، جای مطالعات ترجمه، خالی است. مسائلی چون «بررسی ترجمه‌ها با توجه به هنجارهای حاکم بر هر دوره تاریخی، مطالعه ترجمه به عنوان ابزاری برای ارتباط میان فرهنگی و تحلیل نقش ترجمه در ساختن فرهنگ‌ها یا تثبیت استعمار و...» (لفور و همکاران، ۱۳۹۲:۱۰)

۲-۳. فصل سوم که مؤلف نام «هماهنگی زمان افعال در ترجمه نثر ادبی» را بر آن می‌نهد به این اصل مهم در ترجمه می‌پردازد که مترجم در ترجمه ارتباطی همواره باید استعمال در زبان مقصد را ملاک قرار بدهد تا خواننده متن ترجمه احساس کند یک متن در زبان مادری‌اش را می‌خواند. به این ترتیب مترجم نباید ویژگی‌های دستوری و بیانی زبان مبدأ را وارد زبان مقصد کند. مثالی که مؤلف برای این فصل در نظر گرفته معادل‌سازی زمان در متن مبدأ و مقصد است و متون داستانی را ملاک قرار داده و گفته است در متون داستانی که نویسنده گزارش حادثه‌ای را می‌دهد یا مکانی را توصیف می‌کند در زبان انگلیسی از فعل ماضی ساده استفاده می‌شود ولی در عربی فعل مضارع اخباری مورد استفاده قرار می‌گیرد. مترجم باید این کاربردها را بشناسد تا بتواند معادل‌یابی درستی انجام بدهد. نویسنده با ذکر چند مقطع از داستان «دماء و طین» از داستان نویس مصری «یحیی حقی» و ترجمه آن به انگلیسی به شرح و بسط این موضوع می‌پردازد.

۲-۴. فصل چهارم به ترجمه تیتراها و عناوین در مطبوعات می‌پردازد و تفاوت‌ها تیترا نویسی در عربی و انگلیسی را تشریح کرده و چالش ترجمه تیترا را برای مترجم تسهیل می‌کند.

۲-۵. فصل پنجم یک واژه‌نامه مختصر در زمینه اصطلاحات سیاسی و اقتصادی است که حدود پانصد اصطلاح را در خود جای داده است. وی ابتدا یک اصطلاح را ذکر کرده و سپس ترکیب‌هایی که با این اصطلاح ساخته شده است آورده است مثلاً ذیل اصطلاح ازمه (بحران) این ترکیب‌ها را همراه با معادل انگلیسی آنها می‌آورد:

أزمة مصداقية (بحران اعتبار)

نزع فتيل أزمة (کم کردن حجم بحران)

يصعد من أزمة (تشدید بحران)

أزمة نووية علي وشك أن تقع (بحران هسته‌ای در آستانه وقوع)

يغرق البلد في أزمة دستورية (غرق شدن کشور در بحران قانون اساسی)

يحل أزمة (حل کردن یا زدودن بحران)

۲-۶. فصل ششم به موضوع جنجالی ترجمه اصطلاحات جدید یا معادل‌سازی برای آنها می‌پردازد که در کتاب با عنوان: *المصطلح بین الترجمة و التعریر* آمده است. البته «ترجمه اصطلاحات تخصصی و علمی یکی از بحث‌انگیزترین عرصه‌های کار ترجمه است. اصطلاحات علمی را نباید با عبارات توصیفی بیان کرد مگر این که واقعا معادلی در زبان مقصد برای آن وجود نداشته باشد» (افروز و همکار، ۱۳: ۱۳۹۶) مؤلف در این زمینه بحث مبسوطی ارائه کرده است. وی ابتدا اصطلاح را تعریف می‌کند و سیر تحول کلمه از معنای قاموسی آن به معنای اصطلاحی را تشریح می‌کند و کلمه قهوه را مثال می‌زند که در فرهنگ لغت به معنای شراب یا شیر خالص یا رایحه یا حاصلخیزی و یا نوشیدنی حاصل از جوشیدن دانه خشک قهوه و یا مکانی که در آن قهوه یا سایر نوشیدنی‌ها عرضه می‌شود آمده است. وی این دو معنای اخیر را در میان عرب زبانان شایع می‌داند و سپس ذکر می‌کند که در عربی معاصر در برخی متون قهوه به معنای مهمانی و ضیافت به کار می‌رود که اگر قهوه تلخ آورده شود نشان از بدبینی دارد.

مؤلف، موضوع ترجمه و تعریب اصطلاح را این گونه شرح می‌دهد که در ترجمه، معنای اصطلاح در نظر گرفته می‌شود و برای انتقال این معنا از واژه‌های عربی استفاده می‌شود مثلا الأَشعة برای کلمه rey و السینیة برای x که در مجموع «الأشعة السینیة» ترجمه شده است زیرا «س» یک متغیر جبری است که بر ابهام دلالت دارد و مقابل حرف x در ریاضیات است. اما در تعریب کلمه خارجی وارد زبان عربی می‌شود و از طریق نحت و سایر راه‌های واژه‌سازی، لباس عربی بر تن می‌کند مانند اصطلاح «فلسفه» که بر وزن فعللة ساخته شده و از آن «فلسف»، «یتفلسف»، «فیلسوف» و «مُتفلسف» و .. اشتقاق یافته است ((البطل، ۲۰۰۷: ۹۶).

سپس نویسنده به اختلاف طرفداران ترجمه و تعریب و استدلال‌های آنان می‌پردازد و سرانجام می‌گوید ما نباید هیچیک از ترجمه و تعریب را بر یکدیگر برتری بدهیم بلکه از هر کدام از این دو روش باید به موقع و به جا استفاده کنیم و تشخیص این کار را به اعضای فرهنگستان‌های زبان بسپاریم. وی آنگاه به شیوه‌های واژه‌سازی برای اصطلاحات بیگانه می‌پردازد که عبارتند از:

۱- اشتقاق

اشتقاق به معنای تولید یک صیغه صرفی از صیغه دیگر با حفظ ریشه اصلی و مفهوم کلی قاموسی می‌باشد مانند فعل و فاعل و مفعول و اسم فاعل و ...

اشتقاق به دو نوع اصغر (صغیر) و اکبر (کبیر) تقسیم می‌شود. اشتقاق اصغر که در عربی بسیار است آن است که ریشه سه حرفی «س ک ن» را مثلا بگیریم و بدون به هم زدن ترتیب این سه حرف، کلماتی چون ساکن، اسکان، مسکن، سکینه و مسکون را بسازیم. اما اشتقاق اکبر یا کبیر آن است که ترتیب حروف را به هم بزنیم مثلا از ریشه «ق و ل» قول: گفتار، قلو: به سرعت راندن مرکب، ولق: تند راه رفتن، لوق: هر چیز نرم، لقو: بیماری که در چهره ایجاد می‌شود، وقل: بالا بردن یک پا.

۲- نحت

تولید یک کلمه از دو یا سه کلمه یا بیشتر به شرط آن که هیئت جدید آن با قواعد آوایی و صرفی عربی هماهنگ باشد مانند: amphibian که «برمایی» شده است.

۳- مجاز

مجاز به معنای انتقال کلمه از معنای قاموسی آن به معنای جدید است به شرط آن که این معنا جدید باشد و پیش از آن در زبان مطرح نبوده باشد مانند اصطلاح «الهاتف» که معادل telephone قرار داده شده است. نویسنده چندین مثال دیگر نیز می‌افزاید و در پایان به موضوع ترجمه و تعریب اصطلاح بازمی‌گردد و معتقد است تعریب باعث می‌شود گنجینه زبان پربارتر شود و از طرف دیگر همزمان با تکنولوژی به پیش رود، در حالی که ترجمه اصطلاح، وقت زیادی را برای جستجو و تحقیق در باب معنای مناسب و نیز اختلافات مربوط به ساختمان واژه پیشنهادی می‌گیرد.

۲-۷. فصل هفتم: نویسنده در این فصل، موضوع سامان بخشیدن به امور مترجمان مکتوب و ایجاد قوانین و محدودیت‌ها و سازوکارهای ویژه‌ی آن را مورد بحث قرار می‌دهد تا هر کس که شایستگی ترجمه مکتوب و شرایط لازم آن را ندارد نتواند پای به این عرصه بگذارد. یکی از این راه‌ها تشکیل اتحادیه‌های ویژه مترجمان است که از حقوق صنفی مترجمان حمایت کند.

محمد البطل ابتدا به شرایطی که مترجمان باید داشته باشند می‌پردازد و آنها را به تفصیل شرح می‌دهد. موضوعات و دروسی را پیشنهاد می‌کند که شصت ساعت در چهار ترم درسی زمان می‌برد. باید گفت فصل هفتم کتاب، بسیار کاربردی و مفید است و بر اساس تجربه عملی طراحی شده است. این فصل را که از ص ۱۰۷ تا ص ۱۴۲ کتاب ادامه دارد می‌توان بسته آموزش ترجمه نامید. نویسنده بر اساس تجربه خود در تدریس ترجمه از عربی به انگلیسی و بالعکس، درس‌هایی را برای تدریس ترجمه فراهم آورده و سرفصل‌های آن را نوشته است که تقریبا می‌توان گفت به همه موارد مورد نیاز اشاره کرده است.

وی در این بسته آموزشی سعی کرده تا فن ترجمه را در کنار ترجمه عملی آموزش بدهد و در واقع، مسائل نظری را در کنار مهارت‌های عملی و کاربردی بگذارد؛ البته برای هر درس عناوین و سرفصل‌های پیشنهادی خود را ارائه می‌دهد که بدین قرار است:

ترم اول: ۱۶ ساعت است که این گونه تقسیم می‌شود:

مقدمه در علم ترجمه: دو ساعت / قواعد زبان انگلیسی: دو ساعت / قواعد زبان عربی: دو ساعت / سطوح زبانی: دو ساعت / ترجمه تخصصی مکتوب از انگلیسی به عربی: سه ساعت / ترجمه تخصصی مکتوب از عربی به انگلیسی: سه ساعت / نظریات ترجمه: چهار ساعت.

ترم دوم: ۱۰ ساعت است که این گونه تقسیم می‌شود:

معناشناسی: دو ساعت / ترجمه تخصصی مکتوب از انگلیسی به عربی: چهار ساعت / ترجمه تخصصی مکتوب از عربی به انگلیسی: چهار ساعت

ترم سوم: ۱۸ ساعت است که این گونه تقسیم می‌شود:

آشنایی با واژه‌نامه‌های دو زبانه و تفاوت‌های آنها و شیوه استفاده از آنها: دو ساعت / اصطلاح‌شناسی و چگونگی ورود اصطلاحات به زبان و امکانات واژه‌سازی زبان و آشنایی با تعابیر اصطلاحی / ترجمه تخصصی مکتوب از انگلیسی به عربی: چهار ساعت / ترجمه تخصصی مکتوب از عربی به انگلیسی: چهار ساعت / تحلیل گفتمان: دو ساعت / مشکلات ترجمه در زمینه تفاوت‌های زبانی و فرهنگی دو زبان: دو ساعت / معادل‌یابی و حدود اختیارات مترجم در این زمینه: دو ساعت.

ترم چهارم: ۱۶ ساعت است که به این صورت تقسیم می‌شود:

ترجمه تخصصی مکتوب از انگلیسی به عربی: چهار ساعت / ترجمه تخصصی مکتوب از عربی به انگلیسی: چهار ساعت / ترجمه پیشرفته مکتوب از عربی به انگلیسی و بالعکس: چهار ساعت.

۲-۸. فصل هشتم: این فصل به معناشناسی می‌پردازد. نویسنده در ابتدا عملیات ترجمه را حاصل سه مهارت می‌داند:

۲-۸-۱. تحلیل متن زبان مبدأ و رابطه معنایی کلمات وارد شده در یک عبارت با یکدیگر و استخراج معنای کلی آن و این که مترجم باید کلمه را در جمله ببیند.

۲-۸-۲. معادلیابی برای واژگان زبان مبدأ

۲-۸-۳. پیدا کردن قالب‌های دستوری مناسب برای مفهوم یا پیامی که از زبان مبدأ گرفته شده است.

در بحث بعدی، نویسنده به ماهیت معنا می‌پردازد و راه‌های وصول معنا به ذهن را در پانزده مورد بررسی می‌کند که با دیدن یا شنیدن کلمه، آن معنی به ذهن متبادر می‌شود مانند:

– دلالت ضمنی یا نمادین کلمه: معنای ضمنی «اسب» سوارکاری و شجاعت و معنای ضمنی سگ، وفاداری است.

– دلالت ویژه و غیر قابل تفسیر: رابطه مادری، رابطه‌ای انسانی و خارج از عقل و منطق است. نویسنده معتقد است که مترجم باید با دلالت‌های ضمنی کلمات آشنا باشد تا در صورت نیاز، آنها را تشخیص بدهد.

۳. ویژگی‌های ظاهری کتاب *فصول فی الترجمة و التعریب*

کتاب *فصول فی الترجمة و التعریب*، ظاهری جذاب و قطع خوبی دارد و از نظر ترکیب رنگ نیز آبی را با قرمز و طوسی ترکیب کرده و چشم‌نواز است. این کتاب یکی از کتابهای مربوط به حوزه زبان (لغویات) است و البته معلوم نیست اولین کتاب از این سری است یا دومین و ... عدم شماره گذاری در سلسله لغویات بر روی جلد، باعث ایجاد این ابهام شده است. اما در پشت جلد، سلسله لغویات فهرست شده که ۱۹ کتاب است و به نظر می‌رسد کتاب حاضر بیستمین کتاب از این مجموعه کتابهاست. نکته دیگر این که لوگوی دو ناشر در پشت و روی جلد موجود است که معلوم نیست کدام یک ناشر هستند. «الشركة المصرية للنشر، لونجمان» و «مکتبة لبنان ناشرون» نام دو ناشری است که لوگوی آنها رو و پشت جلد حک شده است. کتاب چاپ اول است و نام چاپخانه و شماره ثبت نشان می‌دهد کتاب در قاهره چاپ شده است و به نظر می‌رسد «مکتبة لبنان ناشرون» سرمایه‌گذار کتاب باشد. قطع کتاب، وزیری است و باعث شده کتاب برای مطالعه و بررسی مثالها مناسب تر باشد. اندازه حروف خوب است و مثالها سیاه و برجسته شده و در متن کاملاً مشخص است. واژه نامه داخل کتاب که بخشی از فصل پنجم است به صورت ستونی مرتب شده که کار را برای خواننده آسانتر می‌کند. نویسنده با استفاده از جدول سعی کرده مطالب را بهتر در دسترس قرار بدهد. کتاب، فاقد غلط‌های چاپی است.

۳-۱. حروف‌نگاری

نوع قلم‌نگارش کتاب «فصول فی الترجمة و التعریب» روشن نیست اما برای خواندن آن، مناسب به نظر می‌رسد؛ هرچند اندازه آن ریز است. عنوان‌های اصلی و فرعی با قلمی

درشت نوشته شده است و پانویسها نیز با قلم ریزتر. هر صفحه ۲۲ سطر دارد که برای قطع وزیری این کتاب مناسب است.

۲-۳. صفحه‌آرایی

نویسنده اصول فنی و استاندارد صفحه‌آرایی را رعایت کرده است. تورفتگی‌های حاشیه‌های راست و چپ و بالا و پایین، سرصفحه‌ها، که در صفحات زوج نام کتاب و صفحات فرد عنوان نام هر فصل یا مقاله نوشته شده است و شماره صفحه هم در صفحات زوج در سمت راست و صفحات فرد در سمت چپ قرار دارد. شروع هر مقاله یا فصل هم به شکلی جداگانه آمده است.

۳-۳. قواعد عمومی ویرایش و نگارش

محمد البطل قواعد عمومی ویرایش را کاملاً رعایت کرده است. علائم سجاوندی بسیار دقیق است و همین امر، خواندن متن را آسان کرده است. غلط‌های چاپی در متن این کتاب دیده نشد که نشان می‌دهد نویسنده در امور چاپ و ویرایش دقیق است. عبارتها و جمله‌ها غالباً کوتاه و تک‌ضرب است و باعث می‌شود خواننده زودتر معنا را درک کند. وی در آغاز، جمله‌ای که در صدد بیان آن است به گونه‌ای در ذهن خود تنظیم می‌کند که مجبور نشود با آوردن جمله‌های معترضه‌ی وصفیه و حالیه، جمله‌ی طولانی بسازد. به عنوان مثال در صفحه ۴۶ چنین می‌گوید:

«والعلاقة بين المبنى والمعنى علاقة تأسيسية تقوم عليها نظرية الترجمة. والمبنى من هذا المنظور هو الوسيلة أو الشكل، أما المعنى فيمثل الغاية أو الوظيفة. والأولوية هنا للغاية، و هذا ما تؤكدُه النظرية التواصلية في الترجمة، التي تُعنى بالتكافؤ المقصدى بين الأصلي و ترجمته».

پاراگراف‌بندی‌های استادانه و چشم‌نواز از ویژگی‌های ظاهری متن است که نشان می‌دهد نویسنده سالها در حوزه مطبوعات و نویسندگی کار کرده است.

۴-۳. گستردگی منابع معتبر و رعایت اخلاق علمی

نویسنده علاقه زیادی به سند‌آوری و منبع‌دهی ندارد و بیشتر سعی دارد مطالب را از زبان خودش بگوید. اما هنگام سند‌آوری دقیق است. نویسنده در رعایت امانت دقیق است و البته اطلاعات پایه و اساسی خود را که در ذهنش رسوب کرده اند بی‌ارجاع و سند‌آوری

ذکر می‌کند که نمی‌توان گفت از جایی نقل کرده است. بخش عمده کتاب حاصل تجربیات خودش در زمینه ترجمه است.

منابع کتاب از گستردگی چندانی در زبان عربی برخوردار نیست و اغلب منابع، فرهنگ لغت یا رمان عربی هستند که ارتباط چندانی با موضوع ندارند. در عوض، منابع انگلیسی فراوان است و سه صفحه کتاب را گرفته است در حالی که منابع عربی یک صفحه را هم پر نکرده است. نتیجه این که در زمینه فن ترجمه و نظریه‌ها تکیه نویسنده به منابع انگلیسی است.

۴. محتوای کتاب و سرفصل درسی

این کتاب به طور مستقیم با هیچ یک از دروس مقطع کارشناسی و کارشناسی ارش انطباق ندارد، چون به هدف درسی و آموزشی تألیف نشده است و نمی‌توان با پیشنهاد سرفصل‌ها و تغییر آنها این کتاب را مناسب برای تدریس دانست. کتاب بیشتر به مجموعه مقالات یا مجموعه پژوهش‌ها شبیه است و می‌تواند به عنوان کمک درسی و منابع اضافی برای درس‌های ترجمه متون مطبوعاتی و درس واژه‌سازی و واژه‌گزینی در مقطع کارشناسی ارشد مورد استفاده قرار گیرد. (نک: البطل، ۲۰۰۷م: ۱۵۷)

۴-۱. تحلیل محتوایی کتاب

۴-۱-۱. کتاب «فصول فی الترجمة و التعرّيب» از محمد البطل در حقیقت، یک مجموعه مقالات با موضوع محوری ترجمه است و همان‌طور که بیشتر ذکر کردیم موضوعات زیرمجموعه‌ی محور ترجمه نیز چندان به یکدیگر نزدیک نیستند مثلاً یک فصل به نقد ترجمه‌های قرآن می‌پردازد و فصل دیگر یک واژه‌نامه کوچک سیاسی _ اقتصادی ارائه می‌دهد و فصلی دیگر موضوع سامان‌دهی امور صنفی مترجمان را مطرح می‌کند و فصلی دیگر به ترجمه تیتیر می‌پردازد. بنابراین نخستین نقدی که به کتاب وارد است پراکنده‌گویی آن است و این که جزئی‌نگر و مسأله‌محور نیست. اگر هر یک از موضوعات مطرح شده را شرح و بسط بیشتری می‌داد مثلاً بر روی بحث ترجمه‌های قرآن تمرکز می‌کرد و مبانی نظری ترجمه قرآن و متون مقدس را به بحث می‌گذاشت و تجربیات کسانی که چنین متونی را ترجمه کرده‌اند می‌آورد می‌توانست تخصصی‌تر و مفیدتر باشد.

۴-۱-۲. در بحث ترجمه قرآن، نویسنده بر شیوه ترجمه قرآن و سپس ترجمه‌ی تعابیر اصطلاحی تأکید کرده است. در باب نقد شیوه‌ی نظریه تکاملی که آقای محمد البطل آن را

پیشنهاد کرده است تنها باید گفت نتیجه‌اش این می‌شود که برای درست کردن ابرو، چشم را کور کنیم، زیرا اصطلاحاتی مانند صلاة و صوم و حج و.. در اسلام، مفاهیمی عمده و اساسی هستند و نمی‌توان آنها را با معادل‌های مسیحی یا یهودی در عهدین جایگزین کرد. با این کار، رنگ معرفتی این اعمال و شعائر از بین می‌رود و به اعمالی تشریفاتی و بی‌مغز و محتوا تبدیل خواهد شد و مفاهیم دینی برآمده از قرآن رنگ خواهد باخت. بسیاری از کلمات و تعابیر قرآنی، حاوی دلالت‌های ضمنی است و خواننده باید نسبت به این واژگان و ترکیب‌ها یا جملات، پیش‌فرض داشته باشد تا بتواند معنای مورد نظر متن اصلی را دریابد. زیرا متون دینی متونی بافت محور هستند، یعنی صرف انتقال رمزگان‌های واژگانی در ترجمه به انتقال محتوای متن اصلی نمی‌انجامد، بلکه توفیق در انتقال محتوا بیش از هر چیز به پیش‌فرض‌های بافتی مخاطب بستگی دارد. بنابراین روند ترجمه متون دینی، به‌ویژه قرآن، مستلزم عنایت مترجم به فراهم آوردن این پیش‌فرض‌ها برای مخاطب زبان مقصد است.

به نظر نگارنده مترجم برای ارائه پیش‌فرض‌های لازم به مخاطب می‌تواند در متن ورود کند و در راستای تشریح و بسط یا توضیح و تفسیر معنای واژگان بافت‌محور و یا اشاره به منظور جمله، افزوده‌هایی را به کار بندد. این افزوده‌های معنا و منظور شناختی در کاستن از تلاش مخاطب برای فهم معنا بسیار کارساز می‌افتد. از نکات قابل توجه در کاربست افزوده‌های توضیحی این است که مترجم با پژوهش‌های مفید به اطلاعات دقیقی درباره واحدهای زبانی بافت‌محور برسد و در ارائه این اطلاعات از آنچه به درک صحیح مخاطب نمی‌انجامد پرهیزد. سپس یافته‌های خود را با موجزترین واژگان به متن بیافزاید و از افزودن توضیحات غیر ضروری خودداری کند.

در این راستا مترجم می‌تواند با خلاقیت خود از کارکردهای متنوع نشانه‌های نگارشی گوناگون بهره‌بردارد. برای مثال، در مواردی که بیان منظور آیه به روال سیاق متن نیست و توضیحی موازی با پیشروی متن است، به جاست تا مترجم برای ارائه توضیحات منظورشناختی از پراتنز استفاده کند. از دیگر سو به جاست افزوده‌هایی که می‌توانند در روند سیاق متن قرار گیرند و در خط جمله خوانده شوند، درون گروه ارائه شوند. گیومه نیز با تأکید بر یک واحد زبانی می‌تواند واژه یا عبارتی را در ترجمه برجسته سازد و به آن خصوصیت بخشد تا این‌گونه نظر مخاطب را به ویژگی آن جلب کند.

به‌طور کلی ترجمه‌ای می‌تواند کل معنای مد نظر متن اصلی را منتقل کند که مخاطب آن به کل بافت مد نظر متن اصلی دسترسی داشته باشد. هر رویکردی به ترجمه که معتقد است

انتقال کل معنا تنها با ترجمه خوب بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های بافت مقصد امکان‌پذیر است، محکوم به شکست خواهد بود. هر چه تفاوت‌های بافتی میان دو زبان بیشتر باشد، محتوایی که از طریق متن مقصد منتقل می‌شود، از محتوای مبدأ دورتر خواهد بود. ترجمه‌هایی که به مقتضیات ارتباط‌پذیری پاسخ نمی‌دهند در معرض این خطر خواهند بود که هیچگاه خوانده نشوند. بنابراین شایسته است ترجمه‌های امروزی قرآن از تنگناهای تقیید به ایجاز نحو قرآن گذر کنند و درون‌مایه‌های متن اصلی را به فضای ذهن و زبان مقصد نزدیک کنند.

نظر به تفاوت‌های بین‌زبانی و بین‌فرهنگی، تلاش مترجم برای رسیدن به همپوشانی نحوی میان متن اصلی و ترجمه قرآن به آن‌جا می‌رسد که خواندن ترجمه، فرساینده و گاه بی‌سرانجام شود. پس هر ترجمه‌ای افزون بر فراهم آوردن اطلاعات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی که برای درک متن بایسته است، باید بستری فراهم آورد تا مخاطب مناسبت اطلاعات ارائه شده را با زندگی امروزی خود دریابد. ترجمه قرآن بایست چیزی فراتر از یک بازنویسی ساده، هرچند بر اساس نحو مقصد، باشد. استفاده از تجربه‌های «یوجین نایدا» نظریه‌پرداز بزرگ ترجمه که به ترجمه و تنظیم ترجمه کتاب مقدس اشتغال داشت و «دخل و تصرف در متن را مجاز می‌دانست» (ماندی، جرمی، ۱۳۸۴:۶۵) می‌توانست در این زمینه راه‌گشا باشد.

۳-۱-۴. یکی از ویژگی‌های مثبت کتاب این است که نویسنده آن خودش مترجم است و در واقع، تجربه‌های خود در زمینه ترجمه و تدریس ترجمه را به رشته تحریر درآورده و مسائل و چالش‌های پیش‌روی مترجمان را گوشزد کرده است. این نوع تجربه‌های مکتوب که نتیجه عملی ساعت‌ها ترجمه است برای خوانندگان بسیار مفیدتر از مباحث نظری نقل شده از کتاب‌ها و مقالات مختلف است.

۴-۱-۴. به نظر می‌رسد بهترین و مفیدترین فصل کتاب فصل هفتم آن است که با سی و سه صفحه طولانی‌ترین بخش نیز هست. در حالی که دیگر فصل‌ها از بیست صفحه تجاوز نمی‌کنند. این فصل را می‌توان بسته آموزش ترجمه نامید. نویسنده بر اساس تجربه خود در تدریس ترجمه از عربی به انگلیسی و بالعکس، درس‌هایی را برای تدریس ترجمه فراهم آورده و سرفصل‌های آن را نوشته است که تقریباً می‌توان گفت به همه موارد مورد نیاز اشاره کرده است. وی در این بسته آموزشی سعی کرده تا فن ترجمه را در کنار ترجمه عملی آموزش بدهد و در واقع، مسائل نظری را در کنار مهارت‌های عملی و کاربردی بگذارد. البته این بسته آموزشی کاستی‌هایی نیز دارد که پرداختن به تکنیک‌های ترجمه

همچون تقطیع یا شکست جمله، سبک در ترجمه، تغییر بیان در ترجمه و ویرایش ترجمه از آن جمله هستند. تردیدی نیست که کسی با گذراندن این شصت ساعت، مترجم نخواهد شد فقط استاد می‌تواند راهی را فراروی او قرار بدهد و جاده‌ای را بگستراند تا مترجم نوآموز با تلاش و پشت‌کار و البته ابتکار خود به مهارت‌های بیشتر و وسیع‌تری دست یابد، زیرا ترجمه نیمه علم است و نیمه تجربه و ابتکار و هنر.

۴-۱-۵. نویسنده در بخش اصطلاحات و تعابیر اصطلاحی، تأکید و تمرکز بیشتری دارد و بزرگترین چالش فراروی مترجمان را همین می‌داند. به همین خاطر، علاوه بر توضیح مبانی نظری ورود اصطلاحات و چگونگی روند واژه‌سازی در زبان عربی و نقد آن، خود دست به کار شده و یک واژه‌نامه سیاسی اقتصادی را که به نظر می‌رسد زمینه‌کاری خودش بوده ارائه کرده است. شیوه وی در تهیه این واژه‌نامه نیز قابل توجه است زیرا ابتدا مدخل یا سرواژه را می‌آورد و سپس عبارات و ترکیب‌هایی را که آن واژه در آنها به کار رفته است ذکر کرده و معادل آنها را می‌آورد، یعنی باهم به ترکیب‌های اصطلاحی پرداخته است. چهار فصل از کتاب به موضوع ترجمه اصطلاحات و تعابیر اصطلاحی و موضوعات مشابه یعنی دلالت‌های معنایی کلمه و معناشناسی پرداخته است که نشان از دغدغه نویسنده به این بخش دارد

۴-۱-۶. با توجه به این که کتاب تئوری ترجمه کت فورد در سال ۱۹۶۵ م و کتاب روش‌های ترجمه نیو مارک در سال ۱۹۸۱ م به چاپ رسیده و در جهان عرب، کتاب «علم الترجمة النظری» از اسعد مظفر حکیم در ۱۹۸۹ م چاپ شده است انتظار می‌رفت کتاب «فصول فی الترجمة و التعریر» از محمد البطل که در سال ۲۰۰۷ میلادی به چاپ رسیده است در زمینه مطالعات ترجمه، قویتر و پر بارتر باشد و حتی نکات ترجمه‌ای بیشتری را گوشزد کند، اما نگاهی به فهرست منابع کتاب، این باور را به ما می‌دهد که نویسنده، کار تحقیقی گسترده‌ای در زمینه فن ترجمه انجام نداده است و چنان که پیشتر گفتیم تجربه‌های عملی خود را به نگارش درآورده است. کتاب‌شناسی مطالعات ترجمه که در انتهای کتاب «نظرها و نظریه‌های ترجمه» (حقانی، نادر، ۱۳۸۶: ۲۱۹) آمده است نشانگر آن است که پژوهشگران و مترجمان ایرانی عنایت بیشتری به مسائل ترجمه داشته‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد کتاب «فصول فی الترجمة و التعریر» برای مخاطبان فارسی زبان و مترجمان از عربی به فارسی و بالعکس حاوی نکته‌های مفیدی است و طبیعی است که

هرکس به اندازه تجربه خود در زبان عربی، ظرفی از اطلاعات و تجربیات نویسنده این کتاب برمی‌دارد، و گرنه کتاب، چندان روشمند نیست که مترجم نوآموز و بی‌بهره از مهارت ترجمه بتواند زنجیروار آن را بخواند و بهره‌برگیرد. نویسنده در بخش اصطلاحات و تعابیر اصطلاحی، تأکید و تمرکز بیشتری دارد و بزرگترین چالش فراوی مترجمان را همین می‌داند و از سوی دیگر، تجربه‌های خود در زمینه ترجمه و تدریس ترجمه را به رشته تحریر درآورده و مسائل و چالش‌های پیش‌روی مترجمان را گوشزد کرده است. این نوع تجربه‌های مکتوب که نتیجه عملی ساعت‌ها ترجمه است برای خوانندگان بسیار مفیدتر از مباحث نظری نقل شده از کتاب‌ها و مقالات مختلف است. به نظر می‌رسد فصل هفتم کتاب که بسته آموزش ترجمه است برای استادان ترجمه بسیار مفید باشد. نویسنده بر اساس تجربه خود در تدریس ترجمه از عربی به انگلیسی و بالعکس، درس‌هایی را برای تدریس ترجمه فراهم آورده و سرفصل‌های آن را نوشته است که تقریباً می‌توان گفت به همه موارد مورد نیاز اشاره کرده است.

کتاب‌نامه

- افروز، محمود، ملانظر، حسین (۱۳۹۶). نخستین درس‌های نگارش و ترجمه مقاله، تهران: ترجمه پژوهان.
البطل، محمد (۲۰۰۷). *فصول فی الترجمة و التعریب*، قاهره: الشركة المصرية العالمية للنشر.
حسن، محمد عبدالغنی (۱۳۷۶ ش). *فن ترجمه در ادبیات عربی*، ترجمه عباس عرب، مشهد: آستان قدس رضوی.
حقانی، نادر (۱۳۸۶). *نظرها و نظریه‌های ترجمه*، تهران: امیرکبیر.
عنانی، محمد (۲۰۰۹). *فن الترجمة*، چاپ یازدهم، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
عنانی، محمد، (۲۰۰۴). *الترجمة الأدبية بین النظرية و التطبيق*، چاپ سوم، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
لفور، آندره، بسنت، سوزان، چرخش فرهنگی در مطالعات ترجمه، ترجمه بلوری، مزدک، تهران، قطره.
ماندی، جرمی (۱۳۸۴). *آشنایی با مطالعات ترجمه نظریه‌ها و کاربردها*، ترجمه کاشانیان، حمید، تهران: رخ.
مظفر حکیم، اسعد، (۱۹۸۹ م). *علم الترجمة النظرية*، دمشق: دار طلاس.
نیومارک، پیتر (۱۹۸۱). *دوره آموزش فنون ترجمه*، ترجمه منصور فهیم و سعید سبزیان، تهران: رهنما.